

Research Paper

Policy Coherence Analysis of Energy Policies and Regulations in Iran



•Hossein Heirani¹, Fateme Ghomshe²

1. Assistant Professor, Technology & Innovation Policy Studies Dep., National Research Institute for Science Policy (NRISP), Tehran, Iran.
2. Master of Science in Information Technology Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Heirani.H, Ghomshe.F (2024). [Policy Coherence Analysis of Energy Policies and Regulations in Iran (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 14(52), 156-183.<https://doi.org/10.22034/sspp.2024.2036284.3685>



<https://doi.org/10.22034/sspp.2024.2036284.3685>



Received: 21 Jul 2024

Accepted: 10 Aug 2024

Available Online: 20 Dec 2024

Keywords:

Policy coherence, Energy sector, Energy macro-policies, Energy regulations, Policymaking

ABSTRACT

This research aims to analyze and evaluate the coherence of energy policies and regulations in Iran. The study examines energy policies and regulations' internal, horizontal, and vertical coherence. The research methodology includes content analysis of energy policy documents and a survey distributed among energy experts, policymakers, and energy sector specialists in Iran. The research results indicate that the internal policy coherence of the general energy policies and consumption pattern reform is acceptable. In contrast, the internal coherence of the general policies of the resilient economy in the energy sector is moderate. Additionally, the horizontal coherence between these three general policies is evaluated as weak. Finally, the vertical coherence of the Thirteenth Government's Transformation Document in the energy sector with general policies is also acceptable. Weak policy coherence at the level of policies within a policy package, such as the general policies of the resilient economy, as well as government programs and general policies, has led to contradictions in the executive policies of various governments in the energy sector and reduced efficiency and effectiveness in the implementation of government programs. Accordingly, it is suggested that internal policy coherence analysis be conducted in formulating each policy package at both macro and executive levels, as well as horizontal and vertical coherence to evaluate the coordination and integration of policies with other equivalent and higher-level policies. It is also recommended that energy policymaking bodies in the country review their policies based on this framework to enhance the integration and efficiency of macro and executive policy approaches in Iran.

* Corresponding Author:

Hossein Heirani

Address: National Research Institute for Science Policy of Iran, Science and Technology Policy Group, Tehran, Iran.

E-mail: Heirani@nrisp.ac.ir

مقاله پژوهشی

تحلیل انسجام‌سیاستی سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور

* حسین حیرانی^۱، فاطمه قمشه^۲

۱. استادیار گروه سیاست فناوری و نوآوری، موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و ارزیابی انسجام‌سیاستی سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور انجام شده است. در این راستا، انسجام‌سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور در سه سطح انسجام درونی، افقی و عمودی مدنظر قرار گرفته است. این پژوهش بر مبنای روش تحلیل محتوا و مطالعه عمیق مستندات حوزه انرژی کشور براساس دو مولفه اهداف و ابزارهای سیاستی و با استفاده از روش پیمایش و توزیع پرسشنامه میان خبرگان، سیاستگذاران و متخصصان حوزه انرژی کشور انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انسجام‌سیاستی درونی سیاست‌های کلی انرژی، اصلاح‌الگوی مصرف و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم قابل قبول است ولی انسجام درونی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی متوسط می‌باشد. همچنین انسجام افقی بین این سه سیاست کلی ضعیف ارزیابی می‌شود. در نهایت انسجام عمودی سند تحول دولت سیزدهم در حوزه انرژی با سیاست‌های کلی نیز در سطح متوسط ارزیابی شده است. از مهم‌ترین علل انسجام‌سیاستی متوسط و ضعیف اسناد سیاستی حوزه انرژی، اولاً ناهمزمانی سیاست‌های کلی با قوانین و مقررات حوزه انرژی و ثانیاً مشخص نبودن رویکرد کلان کشور به حوزه انرژی است. تعیین رویکرد کلان کشور به انرژی باعث می‌شود همه سیاست‌های کلی، قوانین و مقررات حوزه انرژی براساس آن یکپارچه و درجه انسجام‌سیاستی هم در درون بسته‌های سیاستی و هم فیما بین اسناد سیاستی و اجرائی افزایش یابد.

تاریخ دریافت: ۳۱ تیر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌گذاری انرژی،
انسجام‌سیاستی،
سیاست‌های کلان
انرژی، مقررات انرژی،
رویکرد کلان انرژی.

* نویسنده مسئول:

حسین حیرانی

نشانی: موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، گروه سیاست فناوری و نوآوری، تهران، ایران.

رایانامه: Heirani@nrsp.ac.ir

مقدمه

انسجام سیاستی باشند (هیدن^۱، ۱۹۹۹: ۷۳). در صورت عدم وجود انسجام سیاستی و وجود تناقض و یکپارچگی پایین سیاست‌ها چه در سطح اجزای یک بسته سیاستی و چه با دیگر سیاست‌های هم‌ارز یا بالادستی، احتمال اینکه با شکست رو به رو شوند، افزایش پیدا می‌کند (مقدس پور، دانایی فرد و کردنائیچ، ۱۳۹۲). یکی از نشانه‌های شکست خوردن سیاست‌ها، محقق نشدن اهدافی است که در راستای آن‌ها طراحی و برنامه‌ریزی شده‌اند (مکونل^۲، ۲۰۱۰). انسجام سیاستی به معنای وجود تناسب و هم‌راستایی میان سیاست‌های مختلف به صورت درونی، افقی و عمودی است. فقدان انسجام سیاستی می‌تواند منجر به ناکارآمدی، سردرگمی و تضييع منابع شود. انسجام سیاست‌های ملی، اولین شرط اساسی برای رسیدن و تحقق اهداف کشور و نظام در حوزه انرژی می‌باشد. در صورتی که سیاست‌ها، قوانین و مقررات از انسجام درونی برخوردار نباشند و از درون دارای تناقض باشند و یا با سایر سیاست‌ها چه در حوزه‌های هم‌تراز خود و چه در سایر حوزه‌ها دارای تناقض صریح یا ضمنی باشد، در اجرای راهبردهای ملی اتفاقی نخواهد افتاد (دانایی فرد، ۱۳۹۰). سیاست‌ها بر تمامی بخش‌های حوزه‌های مختلف از جمله بخش‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، بهداشتی، اجتماعی و سیاسی حوزه انرژی کشور تاثیرگذار هستند (هاکس و پارسونز^۳، ۲۰۱۹).

نکته‌ای که در تعیین سیاست‌های حوزه‌های مختلف وجود دارد این است که به صورت جداگانه از یکدیگر برای رسیدن به اهداف مختلف ایجاد می‌شوند و شکل می‌گیرند و گاهی مشاهده می‌شود سیاست‌ها در راستای اهداف متفاوتی وضع می‌شوند

رویدادها و روندهای بسیار مهم جهانی از جمله تداوم رشد جمعیت و رشد اقتصادی در اکثر مناطق دنیا، تداوم رشد شهرنشینی در تمام مناطق دنیا، افزایش دمای سطح کره زمین با افزایش انتشار کربن دی‌اکسید، نفوذ انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد عرضه و تقاضای برق دنیا و روند رو به رشد عرضه و تقاضای خودروهای برقی در جهان، باعث افزایش اهمیت موضوع انرژی در دهه‌های اخیر شده است (میری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲). از این رو مباحث مربوط به انرژی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیت انرژی با حساسیت‌های بیشتری پیگیری می‌شود (فرتاش، خیاطیان یزدی و قربانی، ۱۳۹۹: ۱۵۶). به دلیل رو به رو شدن سیاست‌گذاران جهان با چالش‌هایی از جمله تغییرات اقلیمی و اثرات مخرب زیست‌محیطی سوخت‌های فسیلی، ناترازی انرژی، ناپایداری در منابع انرژی و تداوم رشد مصرف و تقاضای انرژی، توجه کشورها به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این حوزه بیش از قبل شده است به نحوی که این موضوع بر امنیت ملی و جایگاه جهانی کشورها نیز اثرگذار است (کازمی نژاد، الوانی و جمشیدی، ۱۳۹۷). در کشور ایران نیز موضوعاتی از جمله ناترازی انرژی، تنوع بخشی سبد انرژی کشور، توسعه پایدار و اقتصاد سبز، بهره‌وری انرژی، بهینه‌سازی مصرف، تولید برق اقتصادی و پایدار و توسعه فناوریانه توان داخلی جزء دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران حوزه انرژی در سال‌های اخیر بوده است (حیرانی، باقری مقدم و مسیبی، ۱۴۰۱: ۴).

از طرف دیگر سیاست‌گذاری‌های انجام شده زمانی به موفقیت و تحقق اهداف موردنظر می‌رسند که دارای همسویی و یکپارچگی و به عبارتی دیگر

1. Hyden
2. Mcconnell
3. Hawkes & Parsons

کشور ایران با دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی در جهان به شمار می‌رود (ضرغامی و ذاکری، ۱۳۹۶: ۲۱۳). با این حال، در سال‌های اخیر با چالش‌های بزرگی مانند شدت بالای مصرف انرژی، آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای و همچنین ناترازی انرژی، قطعی برق و گاز بخش صنایع و خانگی روبرو بوده است. این مهم نشان می‌دهد علی‌رغم برخورداری کشورمان از پتانسیل عظیم در عرصه انرژی، عدم انسجام میان سیاست‌های کلان، قوانین و مقررات موجود، مانع از بهره‌برداری شایسته از فرصت‌های موجود شده است.

براین اساس، در این پژوهش ابتدا مهمترین سیاست‌های کلان و مقررات حوزه انرژی کشور شناسایی شده و سپس با بررسی مبانی نظری موضوع و بر پایه مدل‌های مطرح ارزیابی انسجام سیاستی، با بهره‌مندی از نظرات خبرگان و متخصصان سیاست‌گذاری انرژی، میزان انسجام سیاستی درونی، افقی و عمودی سیاست‌ها و مقررات منتخب سنجیده شده است.

پیشینه پژوهش

سیاست‌ها در حوزه انرژی کشور و سایر حوزه‌ها را به گونه‌ای باید طراحی کرد که باعث تقویت یکدیگر شوند و ضمن تقویت یکدیگر، به سمت اهداف مشترکی حرکت کنند. این معنای ساده انسجام سیاستی است. انسجام سیاستی به محتوای سیاست‌ها و هم‌خوانی میان آن‌ها اشاره دارد (لافین^۵، ۲۰۱۳). انسجام سیاستی توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۶ به‌عنوان ترویج نظام‌مند

و در عمل، به جای هم‌افزایی و تقویت یکدیگر، در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و باعث تضعیف یکدیگر می‌شوند. این امر تضاد در اهداف، فعالیتها و نتایج سیاستی را افزایش می‌دهد. این اتفاق را عدم انسجام سیاستی می‌گویند که باعث رخ دادن نتایجی از جمله ضعیف شدن کارآمدی و اثربخشی دستیابی به اهداف مختلف و منجر به ایجاد تنش در هر نوع سیستمی و مانع دستیابی به اهداف کلان از جمله در سیستم انرژی کشور می‌شود. در تمامی موضوعات و حوزه‌ها از جمله حوزه انرژی کشور، به دلیل تنوع اهداف، عدم انسجام سیاستی چالش‌های خاصی ایجاد خواهد کرد (پارسونز^۴، ۲۰۱۹).

تحلیل انسجام سیاستی در همه حوزه‌ها از جمله حوزه انرژی از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا کمک میکند تا با شناسایی تناقضات و ناهماهنگی‌ها بین سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و اقدامات، کارایی و اثربخشی سیاست‌ها را ارتقا داد و از هدر رفت منابع جلوگیری کرد. در صورت برخورداری سیاست‌ها از انسجام و هماهنگی مناسب، می‌توانیم به‌طور موثرتری برای دستیابی به اهداف کلان حوزه انرژی مانند امنیت انرژی، پایداری، عدالت و دسترسی به انرژی برای همه تلاش کرد و با ایجاد یک سیستم انرژی منسجم و کارآمد، می‌توان از منابع انرژی به‌طور پایدارتر و عادلانه‌تر استفاده کرد. همچنین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی به یک محیط سیاستی باثبات و قابل پیش‌بینی نیاز دارند، انسجام سیاستی به ایجاد چنین محیطی کمک می‌کند و ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و یک سیستم انرژی با سیاست‌های منسجم و کارآمد، فضایی مناسب برای نوآوری و رقابت فراهم می‌کند.

5. Laffin

6. Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD)

4. Parsons

نشان دهنده این موضوع است که هدف انسجام سیاستی، سازگاری، هم‌افزایی و کاهش تضادها و تناقض‌ها بین سیاست‌ها، اهداف و اجرای آن‌ها می‌باشد (دل ریو^{۱۵}، ۲۰۱۴).

انسجام سیاستی در تمامی حوزه‌ها از جمله حوزه انرژی و هم‌راستا بودن سیاست‌هایی که بر سیستم انرژی تأثیر می‌گذارد، تضمین می‌کند که سیاست‌های طراحی شده برای بهبود یک وجه از سیستم انرژی کشور، وجوه دیگر را تضعیف نکند. این امر با برخورداری از نگاهی جامع و سیستمی به زنجیره انرژی کشور و ابعاد مختلف آن قابل دستیابی است. با پیاده‌سازی انسجام سیاستی، می‌توان شاهد هم‌راستایی و هم‌افزایی در اقدامات مختلف، از سطوح محلی تا ملی و بین‌المللی بود (شهر، دانشگاه لندن، بی تا: ۱). داشتن چشم‌اندازهای مشترک در میان حوزه‌های مختلف سیاستی، گامی اساسی در جهت انسجام سیاستی به شمار می‌رود (مه، یوخیم و ساپوتیکن^{۱۶}، ۲۰۱۱). زمانی که همه بازیگران در یک راستا حرکت می‌کنند و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند، شاهد سیاست‌هایی خواهیم بود که در تناقض با یکدیگر نیستند و به جای ایجاد سردرگمی و ناکارآمدی، به‌طور هماهنگ و هدفمند عمل می‌کنند. در انسجام سیاستی، علاوه بر مرحله تدوین سیاست‌ها، اجرای آن‌ها نیز اهمیت دارد. در فرآیند اجرا، مجریان در سطوح مختلف ممکن است تفسیرهای متفاوتی از سیاست ارائه دهند که به تناقض در اجرای سیاست‌ها منجر می‌شود. این تفسیرها، گاه می‌توانند از بروز تعارضات احتمالی جلوگیری کنند، اما در عین حال، ممکن است تناقضاتی را ایجاد کنند که در سطوح بالاتر

اقدامات سیاستی تقویت‌کننده‌ی متقابل در میان ادارات و سازمان‌های دولتی تعریف می‌شود که هم‌افزایی‌هایی را برای دستیابی به اهداف توافق شده ایجاد می‌کند (روتروف^۷، ۲۰۱۷). انسجام سیاستی را می‌توان به‌عنوان کاهش نظام‌مند تعارضات در اهداف، فعالیت‌ها و نتایج سیاستی میان وزارتخانه‌های مختلف دولت، و همچنین ترویج سیاست‌های تقویت‌کننده‌ی متقابل تعریف کرد. انسجام سیاستی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «انسجام سیاستی به حمایت هم‌افزا و سیستماتیک برای دستیابی به اهداف مشترک در درون و بین سیاست‌های فردی اشاره دارد» (هروتوگ و استروس^۸، ۲۰۱۱: ۴). در ادبیات مربوط به انسجام سیاستی، این مفهوم با واژه‌ها و عبارات دیگری از جمله انسجام سیاست‌گذاری، هماهنگی سیاستی، یکپارچه‌سازی سیاست‌ها، حاکمیت یکپارچه، انسجام خط‌مشی و انسجام حاکمیتی الحاقی مطرح و عنوان شده است. در عین حال تفاوت‌هایی نیز بین این مفاهیم دیده می‌شود (قاسم شربینانی و رضوی، ۲۰۱۵: ۹). چالیس^۹ و همکاران هماهنگی سیاستی را «انسجام، ثبات، جامعیت و پیگیری نتایج سازگار» تعریف می‌کنند (چالیس و همکاران، ۱۹۸۸). چهار عبارت هماهنگی^{۱۰}، یکپارچگی^{۱۱}، ثبات^{۱۲} و انسجام^{۱۳} مفاهیمی هستند که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و عناصر کلیدی و مهم یک سیاست‌گذاری مناسب محسوب می‌شوند (کاتو^{۱۴}، ۲۰۱۱). مفهوم مشترک همه تعاریف موجود از انسجام سیاستی

7. Ruthrauff
8. Hertog & Stross
9. Challis
10. Coordination
11. Integration
12. Consistency
13. Coherence
14. Kautto

15. Del Río

16. May, Jochim & Sapotichne

وابسته هستند، منعقد شود.

انسجام افقی به رابطه بین سیاست‌های یک سطح واحد از حکمرانی گفته می‌شود. به‌عنوان مثال، تاثیر سیاست‌های حوزه حمل و نقل بر اهداف زیست‌محیطی مختلف در سطح ملی نمونه‌ای از انسجام سیاستی افقی می‌باشد. و در نهایت انسجام عمودی به روابط بین سیاست‌ها در سطوح مختلف حکمرانی اشاره دارد. در حوزه انرژی، انسجام سیاستی عمودی به معنای آن است که سیاست‌های بین‌المللی انرژی با سیاست‌های ملی و محلی همسو باشند و یا بالعکس. به‌عنوان مثال، اگر در سطح بین‌المللی توافقی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به امضا رسیده باشد، باید سیاست‌های ملی و محلی نیز برای تحقق این هدف اتخاذ شوند و یا اگر در سطح ملی هدف افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در نظر گرفته شده باشد، باید سیاست‌های محلی و منطقه‌ای نیز برای تسهیل این امر اتخاذ شوند (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۶).

نیلسون و همکاران حاصل ترکیب انسجام داخلی، خارجی، عمودی و افقی را یک ماتریس دو در دو به شرح جدول شماره ۱ معرفی کرده‌اند (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۵). بر اساس مدل اندازه‌گیری

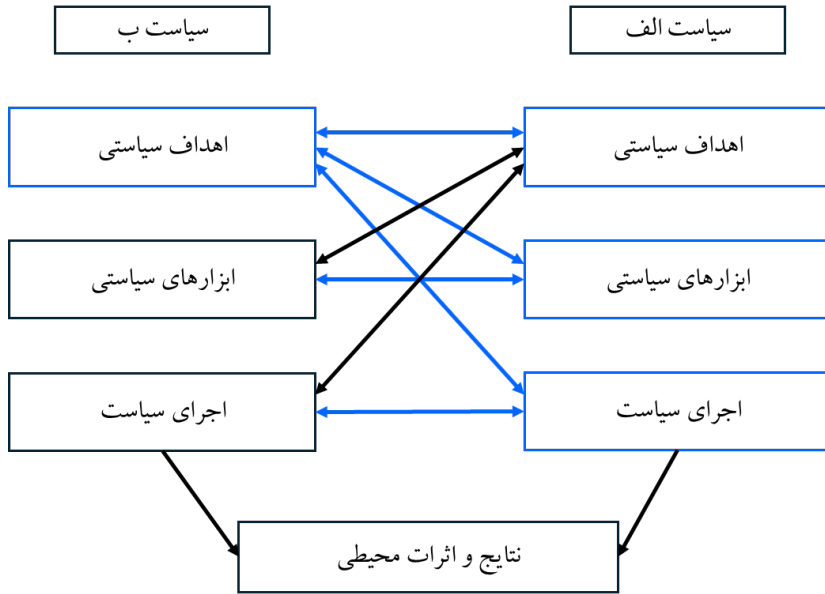
تصمیم‌گیری قابل مشاهده نباشند (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۵؛ اروین و جردن، ۲۰۰۸).

پایه و اساس انسجام سیاستی و همبستگی در سیاست‌گذاری، ارتباط و وابستگی بین حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌باشد. براساس نظر نیلسون^{۱۷} و همکاران انسجام سیاستی انواع مختلفی از جمله انسجام داخلی، خارجی، افقی و عمودی دارد. در انسجام داخلی، ارتباط و هماهنگی بین سیاست‌ها در یک حوزه سیاستی واحد و خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد برای مثال، در حوزه انرژی، سیاست‌های مربوط به تولید، توزیع، مصرف و قیمت‌گذاری باید با یکدیگر همسو باشند و یکدیگر را تضعیف نکنند تا به اهداف کلان مانند امنیت انرژی، پایداری و توسعه پایدار دست یافت. در انسجام خارجی تعاملات را میتوان در حوزه‌های مختلف سیاستی مورد مطالعه قرار داد. در حوزه انرژی، انسجام سیاستی خارجی به معنای آن است که سیاست‌های مربوط به انرژی با سیاست‌های مربوط به محیط زیست، اقتصاد و ... همسو باشند. به‌عنوان مثال، اگر هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای باشد، نباید توافقات تجاری با کشورهایی که به شدت به سوخت‌های فسیلی

جدول ۱. ماتریس ترکیب انواع انسجام سیاستی (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۶)

	عمودی (انسجام سیاست‌ها در سطوح مختلف)	افقی (انسجام سیاست‌ها در یک سطح حکمرانی)
داخلی (انسجام سیاست‌ها در یک حوزه سیاستی واحد)	برای مثال، سیاست جهانی تغییرات اقلیمی در ارتباط با سیاست ملی تغییرات اقلیمی ملی	برای مثال، سیاست محلی کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها در ارتباط با سیاست محلی ارتقای کارایی انرژی در ساختمان‌ها
خارجی (انسجام سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف سیاستی)	برای مثال، سیاست انرژی بین‌المللی در رابطه به سیاست کشاورزی ملی	برای مثال، سیاست ملی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در رابطه با سیاست ملی حمل و نقل

17. Nilsson

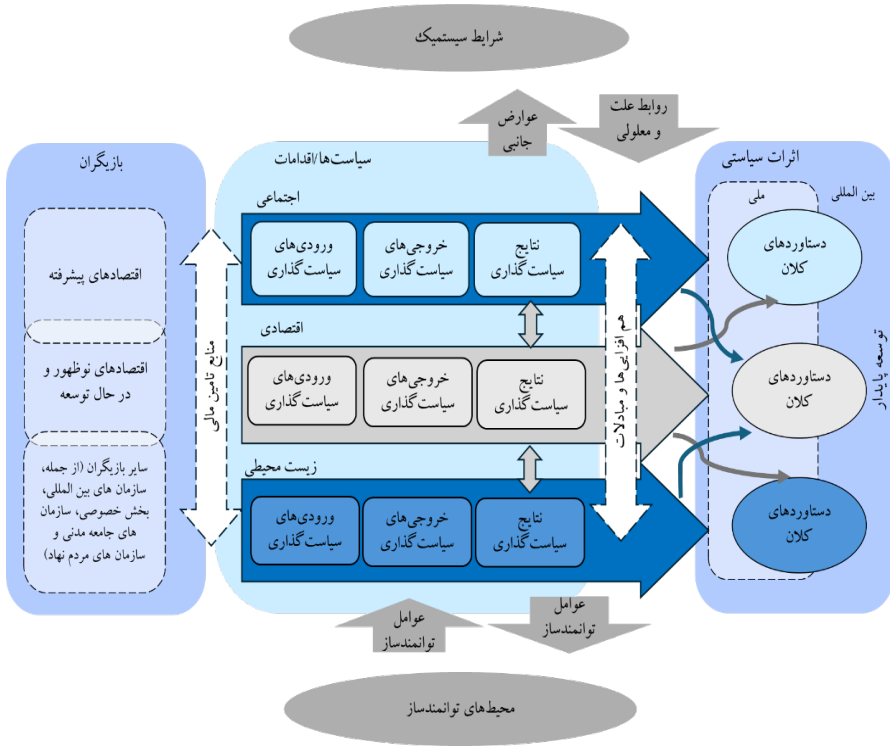


شکل ۱. لایه‌های تعاملی سیاست از اهداف تا اجرا (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۴).

برق کافی و قابل اعتماد برای شهروندان باشد، در حالی که هدف سیاست حفاظت از آب ممکن است حفظ کیفیت آب‌های رودخانه‌ها و دریاچه‌ها باشد. در مرحله دوم نحوه تعامل این دو سیاست و اینکه چگونه این دو سیاست با هم تعامل دارد بررسی می‌شود. به‌عنوان مثال، ممکن است سیاست تولید برق منجر به افزایش آلودگی آب شود، در حالی که سیاست حفاظت از آب ممکن است هزینه تولید برق را افزایش دهد و در مرحله سوم این تعاملات باید به‌طور دقیق بررسی شوند و مشخص گردد که آیا دو سیاست می‌توانند به‌طور موثری مدیریت شوند یا خیر. به‌عنوان مثال، ممکن است راه‌هایی برای کاهش آلودگی آب ناشی از تولید برق بدون افزایش قابل توجه هزینه‌ها وجود داشته باشد. به این نکته باید توجه داشت که تعاملات بین دو سیاست می‌تواند دوطرفه باشد و در هر دو جهت از اهمیت

انسجام نیلسون و همکاران، انسجام درونی به دو صورت افقی (مقایسه سایر مولفه‌های سیاست با مولفه‌های هم‌جنس خود، برای مثال مقایسه اهداف سیاست با همدیگر، مقایسه ابزارهای سیاست با همدیگر و ...) و عمودی (مقایسه یک مولفه سیاست با مولفه دیگر، برای مثال مقایسه اهداف با ابزارها) تعریف شده است.

الگوی طراحی شده بر اهداف، ابزارها و شیوه‌های اجرای سیاست‌ها تمرکز دارد. هدف آن‌ها از این بررسی این است که به این نتیجه برسند آیا دو سیاست با هم کار می‌کنند تا به اهداف مشترکی دست پیدا کنند یا خیر. این الگو از سه مرحله تشکیل شده است. در مرحله اول ابتدا باید اهداف هر دو سیاست به‌طور دقیق مشخص شود. به‌عنوان مثال، هدف سیاست تولید برق ممکن است تأمین



شکل ۲. چارچوب تحلیلی انجام سیاستی برای توسعه پایدار (OECD, ۲۰۱۶)

برخوردارند. به‌عنوان مثال، سیاست تولید برق ممکن است بر سیاست حفاظت از آب تأثیر بگذارد و در عین حال، سیاست حفاظت از آب نیز ممکن است بر سیاست تولید برق تأثیر بگذارد (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۴).

در سال ۲۰۱۵، با پذیرش ۱۷ هدف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، انجام سیاستی قوت بیشتری گرفت. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌عنوان یکی از پیشگامان این رویکرد، چارچوب انجام سیاستی برای توسعه پایدار^{۱۸} را به‌عنوان

ابزاری کارآمد برای تحقق این اهداف معرفی کرد. چارچوب انجام سیاستی برای توسعه پایدار در واقع، رویکردی جامع برای ادغام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار در تمامی مراحل سیاست‌گذاری است. هم‌افزایی و کاهش تعارضات، سازگاری با تعهدات بین‌المللی و مدیریت اثرات فرامرزی از جمله اهداف چارچوب انجام سیاستی برای توسعه پایدار هستند (شهر دانشگاه لندن بی تا: ۳). چارچوب انجام سیاستی برای توسعه پایدار ابزاری منعطف و سازگار است که در بسترهای ملی و نهادی گوناگون، کاربران را در تدوین راهبردهای خلاقانه جهت ارتقای انجام

تدوین راهبردهای خلاقانه جهت ارتقای انجام

تدوین راهبردهای خلاقانه جهت ارتقای انجام

18. Policy Coherence for Sustainable Development (PCSD)

در مدل دیگر، برای ارزیابی انسجام سیاستی از روش تحلیل مفهومی محتوا استفاده شده است. برای تحلیل محتوا ابتدا حوزه مورد بررسی مشخص شده، در گام دوم سازمان‌های اصلی حوزه مورد نظر و اسنادی کلیدی آن‌ها شناسایی شده، کلیدواژه‌های مربوط به هر سازمان انتخاب شده و در نهایت اسناد اصلی هر سازمان برای یافتن کلیدواژه‌های سازمان‌های دیگر بررسی می‌شوند. انجام این کار به منظور یافتن اشتراکات هر سند با سند دیگر است. پس از انجام تحلیل محتوا و یافتن تعداد اشتراکات، ماتریسی تحت عنوان ماتریس انسجام سیاستی^{۱۹} رسم شده، به گونه‌ای که در هر خانه ماتریس تعداد اشتراکات هر سند با سند دیگر بر اساس مولفه‌هایی از جمله اهداف، ابزار و بازیگران مشخص می‌شود (دوراپا و بهارواج^{۲۰}، ۲۰۰۷: ۵).

قلی پور و همکاران، در ادبیات مربوط به انسجام، سه نوع کلی برای انسجام سیاستی در نظر گرفته‌اند (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۴). انسجام درونی عبارت است از انسجام و همسانی میان اهداف، فرآیند، عملکرد و نتایج یک سیاست. انسجام افقی عبارت است از انسجام و همسانی میان یک سیاست با سایر سیاست‌های هم‌ارز. انسجام سلسله‌مراتبی (عمودی) عبارت است از انسجام و همسانی میان یک سیاست با سیاست‌هایی که از نظر جنس و حوزه سیاستی یکسان می‌باشند. در دسته‌بندی دیگری، انواع انسجام سیاستی در ۴ دسته معرفی شده است: ۱- افقی (میان حوزه‌های سیاست‌گذاری)، ۲- عمودی (مانند نحوه ارتباط اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن)، ۳- درونی (سازگاری و انسجام درون حوزه‌ای) و ۴- چند جانبه (میان سازمان‌های بین‌المللی) (کربن^{۲۱}، ۲۰۰۸؛

سیاستی توانمند می‌سازد. این چارچوب به گونه‌ای طراحی شده که افراد می‌توانند از قسمت‌های مختلف آن، متناسب با اولویت‌ها، شرایط سازمانی، فرآیندهای مدیریتی، توانایی‌ها و نیازهای خود، برای تدوین استراتژی‌هایشان در جهت ارتقای انسجام سیاست‌ها استفاده کنند (OECD، ۲۰۱۶). اهداف اصلی چارچوب انسجام سیاستی برای توسعه پایدار به شرح زیر می‌باشد (OECD، ۲۰۱۶).

- چارچوب انسجام سیاستی برای توسعه پایدار به دنبال ایجاد هماهنگی و همکاری مثبت بین سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. به عبارت دیگر، این چارچوب می‌خواهد اطمینان حاصل کند که این سیاست‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند و در نهایت به دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک می‌کنند.

- این چارچوب به کشورها کمک می‌کند تا تضادهایی را که ممکن است بین سیاست‌های داخلی آن‌ها و اهداف توافق‌شده بین‌المللی برای توسعه پایدار وجود داشته باشد، شناسایی کنند. همچنین، این چارچوب به کشورها کمک می‌کند تا این تضادها را مدیریت کرده و سیاست‌های داخلی خود را با اهداف بین‌المللی تطبیق دهند.

- چارچوب انسجام سیاستی برای توسعه پایدار به کشورها کمک می‌کند تا تأثیرات سیاست‌های داخلی خود را بر کشورهای دیگر در نظر بگیرند. به‌عنوان مثال، سیاست‌های زیست‌محیطی یک کشور ممکن است بر محیط زیست کشورهای همسایه تأثیر بگذارد. بنابراین، این چارچوب به کشورها کمک می‌کند تا سیاست‌هایی را تدوین کنند که تأثیرات منفی بر کشورهای دیگر را به حداقل برساند.

19. Policy Coherence Matrix (PCM)

20. Duraiappah & Bhardwaj

21. Carbone

نیلسون و نیلسون^{۲۲}، ۲۰۰۵).

همچنین طبق نظر میکویتس^{۲۳} و ودونگ^{۲۴}، ارزیابی انسجام سیاستی در سه سطح اهداف، محصول (برونداد) و پیامد انجام می‌شود. اهداف، جهت‌گیری‌ها و آرمان‌های مورد نظر سیاست را مشخص می‌کنند. برون‌دادها به محصولات و دستاوردهای ملموس سیاست‌ها مانند تصمیمات، بیانیه‌ها و اقدامات اشاره دارند. پیامدها نیز به نتایج نهایی و اثرات بلندمدت سیاست‌ها می‌پردازند (میکویتس، ۲۰۰۳؛ ودونگ، ۱۹۹۷).

چارچوب‌ها و مدل‌های تحلیلی دیگری نیز جهت سنجش انسجام سیاستی بر پایه هم‌افزایی و تضادهای احتمالی میان سیاست‌ها وجود دارد. این چارچوب‌ها (مانند چارچوب تحلیلی پابلو دل ریو^{۲۵} (دل ریو، ۲۰۱۴)، چارچوب تحلیلی شاوو^{۲۶} و همکاران (شاوو و همکاران، ۲۰۲۳) و چارچوب تحلیلی پائولا کیویما^{۲۷} و همکاران (کیویما و همکاران، ۲۰۲۴) ابزارهای ارزشمندی برای سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران هستند تا بتوانند تناقضات و ناهماهنگی‌های موجود در سیاست‌ها را شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدام کنند.

تحلیل انسجام سیاستی در حوزه انرژی موضوعی است که طی دهه‌های اخیر توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. با افزایش نگرانی‌ها درباره تغییرات اقلیمی، کمبود منابع انرژی و نیاز به توسعه پایدار، اهمیت بررسی و ارتقاء انسجام سیاست‌ها و مقررات در این حوزه بیش از پیش

آشکار شده است. در سطح جهانی، پژوهش‌های متعددی به بررسی انسجام سیاست‌های انرژی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. برای مثال، کیویما و همکاران (کیویما و همکاران، ۲۰۲۴) در مقاله خود نشان داده است تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور یا منطقه خاص نمی‌شوند. این امر چالش‌های متعددی را برای انسجام سیاستی ایجاد می‌کند، زیرا سیاست‌های یک کشور یا منطقه ممکن است بر سایر مناطق تأثیر بگذارد و نیازمند هماهنگی و همکاری بین‌المللی برای مدیریت این تأثیرات است. همچنین نیلسون و همکاران (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲) چارچوبی را برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل انسجام سیاستی در اتحادیه اروپا ارائه کرده است و با بررسی نمونه‌هایی از سیاست‌های انرژی‌های تجدیدپذیر نشان داده است که سیاست‌ها اغلب در اهداف همسو هستند اما تضادها و تناقض‌هایی در خصوص ابزارهای سیاستی و اجرای سیاست‌ها نگرانی‌هایی ایجاد کرده است.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی به بررسی سیاست‌های انرژی و ارزیابی انسجام آن‌ها پرداخته‌اند. تقوی فرد و همکاران (تقوی فرد و همکاران، ۱۳۹۵) از طریق تحلیل نهادی نظام حکمرانی حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور بر پایه چرخه انسجام سیاست‌گذاری، مدلی را جهت بررسی انسجام در سیاست‌گذاری ارائه کرده است و بر اساس مدل تهیه شده وضعیت فعلی کشور در حکمرانی حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور را بررسی کرده است. عباسی و احمدی (عباسی و احمدی، ۱۳۹۶) به بررسی انسجام خط‌مشی‌های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری در دو سطح انسجام عمودی و افقی پرداخته است و به این نتیجه رسیده‌اند که انسجام بین خط‌مشی‌های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری

22. Nilsson & Nilsson

23. Mickwitz

24. Vedung

25. Pablo del Río

26. Shawoo

27. Paula Kivimaa

کلی اقتصاد مقاومتی و سند تحول دولت سیزدهم جهت تحلیل انسجام سیاستی تعیین شدند.

با استفاده از روش تحلیل محتوا، محتوای مستندات منتخب بررسی شده و دو مولفه اهداف و ابزارهای سیاستی هر یک از آن‌ها استخراج گردیده است. تحلیل محتوا، لایه‌های مختلف پیام را آشکار می‌سازد و ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های فرستنده پیام را نمایان می‌سازد (خاکی، ۱۳۹۷). تحلیل محتوای کیفی با دو رویکرد استقرایی یا قیاسی قابل انجام است. در پژوهش حاضر از تحلیل محتوا با رویکرد قیاسی استفاده شده است. در رویکرد قیاسی ابتدا چارچوب تحلیل بر اساس دانش و یافته‌های پیشین طراحی می‌شود و سپس داده‌ها بر اساس مفاهیم و مقوله‌های چارچوب تحلیلی کدگذاری و تحلیل می‌شوند (شرایر^{۲۸}، ۲۰۱۴). در واقع تحلیل محتوای قیاسی شرحی است که با جایگذاری اجزای مختلف محتوا در مقوله‌های چارچوب کدگذاری انجام می‌شود (فرتاش، خیاطیان یزدی و قربانی، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

بررسی انسجام بر اساس تعریف قلی پور و همکاران از

در هر دو سطح عمودی و افقی از سطح مطلوبی برخوردار نمی‌باشد. فرتاش و همکاران (فرتاش، خیاطیان یزدی و قربانی، ۱۳۹۹) نیز به بررسی چالش‌های انسجام سیاستی در حوزه انرژی ایران با تمرکز بر حکمرانی انرژی خورشیدی پرداخته است.

روشن‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تحلیل و ارزیابی انسجام سیاستی سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور می‌باشد. به این منظور، ابتدا سیاست‌های کلی، قوانین و مقررات حوزه انرژی که توسط مراجع مختلف از جمله مقام معظم رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انرژی و هیئت دولت در بازه زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۲ به تصویب رسیده‌اند گردآوری و بررسی شده و سپس مستندات در دو دسته سیاست‌های کلی و مقررات سطح دولت تفکیک شدند. سه سیاست کلی کشور در حوزه انرژی و مهمترین مصوبه چند سال اخیر دولت مبنای این پژوهش قرار گرفته است. براین اساس سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی، سیاست کلی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های

جدول ۲. سیاست‌های کلان و مقررات منتخب حوزه انرژی جهت بررسی انسجام سیاستی

ردیف	سطح سیاست	عنوان سیاست	مرجع تصویب کننده	تاریخ تصویب
۱	سیاست‌های کلان	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۲
۲		سیاست کلی اصلاح الگوی مصرف	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۸۹
۳		سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۷۹
۴	مقررات سطح دولت	مبحث انرژی سند تحول دولت سیزدهم	هیئت دولت	۱۴۰۰

جدول ۳. انواع انسجام مورد بررسی در پژوهش حاضر

نوع انسجام	شرح	مصادیق تحلیل
انسجام درونی	تحلیل انسجام و همسانی میان اهداف و میان ابزارهای یک سیاست	تحلیل انسجام درونی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تحلیل انسجام درونی سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی تحلیل انسجام درونی سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف تحلیل انسجام درونی بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم
انسجام افقی	تحلیل انسجام و همسانی میان سیاست‌های کلی	تحلیل انسجام افقی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با اصلاح الگوی مصرف تحلیل انسجام افقی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با انرژی تحلیل انسجام افقی سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف با انرژی
انسجام عمودی	تحلیل انسجام و همسانی میان سیاست‌های کلی و مقررات سطح دولت	تحلیل انسجام عمودی میحث انرژی سند تحول دولت سیزدهم با سیاست‌های کلی انرژی، اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی

انواع انسجام سیاستی (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۴)، در سه سطح افقی (انسجام بین سیاست‌های هم‌تراز)، عمودی (انسجام بین سیاست‌های دو سطح متفاوت) و درونی (از نوع درونی افقی) مورد بررسی قرار گرفته است. انسجام درونی هریک از سیاست‌ها، انسجام افقی بین سیاست‌های کلی و انسجام عمودی بین سیاست‌های کلی و مقررات حوزه انرژی ارزیابی شده است.

به جهت تعیین بهترین و مناسب‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌های بررسی انسجام سیاستی سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور، از نظر و دیدگاه خبرگان و متخصصان این حوزه استفاده شده است. خبرگان به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و از صاحب نظران حوزه سیاست‌گذاری و مطالعه راهبردی حوزه انرژی کشور هستند که سابقه سیاست‌گذاری، راهبردننگاری و اجرا در حوزه انرژی را داشته اند.

بنابراین با توجه به نظر خبرگان منتخب و با توجه به هدف این پژوهش که بررسی انسجام سیاستی درونی، افقی و عمودی سیاست‌های کلان و مقررات

حوزه انرژی کشور می‌باشد، دو مولفه اهداف و ابزارهای سیاستی به‌عنوان شاخص‌های اصلی بررسی انسجام سیاستی سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور تعیین شده‌اند. پس از تعیین دو مولفه و شاخص‌های ارزیابی انسجام سیاستی، ابتدا با استفاده از روش تحلیل محتوا، اهداف و ابزارهای سیاستی هریک از اسناد استخراج شده و جهت ارزیابی میزان انسجام درونی، افقی و عمودی آن‌ها، پرسشنامه‌ای با هدف بهره‌مندی از نظر خبرگان، متخصصان و کارشناسان حوزه انرژی در خصوص انسجام سیاست‌های این حوزه تهیه و توزیع گردیده است. در طراحی پرسشنامه مربوط به ارزیابی انسجام درونی از مدل نیلسون و همکاران (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۲) و در پرسشنامه ارزیابی انسجام سیاستی افقی و عمودی از مدل ارزیابی دورایپا^{۲۹} و بهار دواج^{۳۰} (دورایپا و بهار دواج، ۲۰۰۷) با کمی تغییرات در نحوه امتیازدهی استفاده شده است. در مدل ارزیابی دورایپا و بهار دواج میزان انسجام

29. Duraiappah
30. Bhardwaj

از یک تا پنج تعیین نماید. در ادامه میانگین امتیازات محاسبه شده تا امتیاز نهایی به دست آید و در نهایت تفسیر امتیازهای به این شرح می‌باشد: امتیازهای ۱ تا ۲: نشان‌دهنده انسجام بسیار ضعیف می‌باشد و به این معناست که سیاست‌های مورد نظر در حوزه انرژی همراستا و همسو نبوده، با یکدیگر در تناقض یا مغایرت هستند و یا اینکه به‌طور موثری با یکدیگر هماهنگ نشده‌اند.

امتیازهای ۲ تا ۳ بیانگر انسجام ضعیف، امتیاز ۳ بیانگر انسجام متوسط، امتیازهای ۳ تا ۴ بیانگر انسجام قوی و امتیازهای ۴ تا ۵ بیانگر انسجام بسیار قوی می‌باشد که نشان‌دهنده هماهنگی و هم‌راستایی سیاست‌های مذکور می‌باشد. تعداد مصاحبه‌شوندگان و تکمیل‌کنندگان پرسشنامه ۱۰ نفر بوده که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند و از متخصصان، خبرگان و کارشناسان سیاست‌گذاری

براساس تعداد اشتراکات میان مولفه و شاخص‌های دو سیاست سنجیده می‌شود، در پژوهش حاضر میزان انسجام و هماهنگی میان اهداف و ابزارهای سیاستی، به‌عنوان مولفه‌های مورد ارزیابی، به صورت دو به دو مورد بررسی قرار گرفته و توسط خبرگان و متخصصان امتیازدهی شده است. در پرسشنامه ارزیابی انسجام درونی، اهداف و ابزارهای هر یک از سیاست‌ها در قالب ماتریس نوشته شده و از جامعه هدف درخواست شده است تا میزان انسجام و هماهنگی هر دو هدف و یا دو ابزار را از یک (انسجام بسیار ضعیف) تا پنج (انسجام بسیار قوی) امتیازدهی نمایند. در پرسشنامه ارزیابی انسجام افقی و عمودی، اهداف و ابزارهای سیاست‌ها و مقررات منتخب در سطر و ستون ماتریس قرار گرفته و از جامعه هدف درخواست شده است تا در تقاطع اهداف هر دو سیاست میزان انسجام آن‌ها را

جدول ۴. لیست پاسخ‌دهندگان پرسشنامه

ردیف	پاسخ‌دهندگان پرسشنامه
۱	عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
۲	عضو هیئت علمی پژوهشگاه نیرو
۳	دبیر کارگروه برق کمیته انرژی مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴	دبیر کارگروه نفت کمیته انرژی مجمع تشخیص مصلحت نظام
۵	رئیس کارگروه برق کمیته انرژی مجمع تشخیص مصلحت نظام
۶	دبیر کارگروه انرژی ستاد راهبری تحول دولت
۷	کارشناس کارگروه انرژی ستاد راهبری تحول دولت
۸	مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری صنعت برق
۹	مشاور مدیرعامل سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق
۱۰	مدیرعامل انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران



شکل ۳. فرآیند انجام پژوهش

اهداف و ابزارهای سیاستی استخراج شده از اسناد منتخب

در نتیجه تحلیل محتوای سه سیاست کلان اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های کلان کشور در حوزه انرژی و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم، اهداف و ابزارهای سیاستی هر یک از اسناد استخراج شده و به شرح جدول‌های شماره ۵ تا ۸ می‌باشد.

با بررسی و تحلیل محتوای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف مصوب سال ۱۳۸۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اهداف و ابزارهای سیاستی این مصوبه استخراج شده و به شرح جدول شماره ۶ می‌باشد. بخش عمده‌های از این سیاست‌ها مرتبط با حوزه

انرژی هستند که دارای سابقه علمی و اجرایی در این حوزه می‌باشند. لیست پاسخ‌دهندگان پرسشنامه به شرح جدول شماره ۴ است.

مراحل انجام این پژوهش به شرح شکل ۳ شماره می‌باشد.

یافته‌ها

در این پژوهش انسجام در سه سطح انسجام درونی، افقی و عمودی بررسی شده است: انسجام درونی هر یک از سه سیاست کلان منتخب و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم، انسجام افقی میان سیاست‌های کلان و انسجام عمودی میان سیاست‌های کلان و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم.

جدول ۵. اهداف و ابزارهای سیاستی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (یافته‌های نویسندگان)

ردیف	اهداف	ابزار
۱	افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.	اجرای هدف‌مندی‌سازی پارانه‌های انرژی
۲	مدیریت مصرف	اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف
۳	مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز	<ul style="list-style-type: none"> -انتخاب مشتریان راهبردی. -ایجاد تنوع در روش‌های فروش. -مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش. -افزایش صادرات گاز. -افزایش صادرات برق. -افزایش صادرات پتروشیمی. -افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.
۴	اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میدان مشترک	افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور
۵	افزایش ارزش افزوده	تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.
۶	افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز	

انرژی و در راستای کاهش مصرف و رفع ناترازی انرژی می‌باشد. اسفندماه ۱۴۰۰ به اعضای هیئت دولت ابلاغ و ستاد راهبری تحول دولت به‌منظور پایش و ارزیابی اجرای این سند تشکیل گردید. مبحث انرژی این سند با هدف رفع چالش‌های موجود در بخش انرژی و تحقق اهداف بلندمدت کشور در این حوزه تدوین شده است. اهداف و ابزارهای سیاستی استخراج شده از بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم به شرح جدول شماره ۸ می‌باشد.

تحلیل انسجام سیاستی سیاست‌های کلان کشور و مقررات سطح دولت در حوزه انرژی

ماتریس‌های ایجاد شده در پرسشنامه جهت ارزیابی

سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی در سال ۱۳۷۹ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب شده است. این سیاست‌ها بر ایجاد تعادلی پایدار بین تأمین انرژی مورد نیاز برای رشد و توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی متمرکز است. این سیاست‌ها با هدف دستیابی به اهداف تشریح شده در جدول شماره ۷ به وسیله ابزارهای سیاستی تعیین شده تدوین شده است.

سند تحول دولت مردمی به‌عنوان یک نقشه راه جامع برای توسعه کشور توسط رئیس‌جمهور در

جدول ۶. اهداف و ابزارهای سیاستی سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف (یافته‌های نویسندگان)

ردیف	اهداف	ابزار
۱	اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی، ترویج فرهنگ صرفه جویی و قناعت و مقابله با اسراف، تبذیر، تجمل‌گرایی	استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی و هنری و رسانه‌ها بویژه رسانه ملی.
۲	اصلاح الگوی مصرف	آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب.
۳	توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری	ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخص‌های کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و رضایت‌مندی.
۴	اصلاح الگوی مصرف	آموزش اصول و روش‌های بهینه‌سازی مصرف
۵	رعایت الگوی مصرف	پیشگامی دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی
۶	مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی	ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی.
۷	<ul style="list-style-type: none"> - صرفه‌جویی در مصرف انرژی - کاهش مستمر «شاخص شدت انرژی» کشور به حداقل دو سوم میزان کنونی تا پایان برنامه پنجم توسعه و به حداقل یک دوم میزان کنونی تا پایان برنامه ششم توسعه 	<ul style="list-style-type: none"> - اعمال مجموعه‌ای متعادل از اقدامات قیمتی و غیرقیمتی - اولویت دادن به افزایش بهره‌وری - انجام مطالعات جامع و یکپارچه سامانه انرژی کشور - تدوین برنامه ملی بهره‌وری انرژی - اعمال سیاست‌های تشویقی - بازنگری و تصویب قوانین و مقررات مربوط به عرضه و مصرف انرژی - تدوین و اعمال استانداردهای اجباری ملی برای تولید و واردات کلیه وسایل و تجهیزات انرژی‌بر - تقویت نظام نظارت بر حسن اجرای آنها - الزام تولیدکنندگان به اصلاح فرآیندهای تولیدی انرژی‌بر - اصلاح و تقویت ساختار حمل و نقل عمومی - افزایش بازدهی نیروگاهها - متنوع‌سازی منابع تولید برق - افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین - بهبود روش‌های انتقال حامل‌های انرژی - گسترش تولید برق از نیروگاههای تولید پراکنده، کوچک مقیاس و پربازده برق و تولید همزمان برق و حرارت.

جدول ۷. اهداف و ابزارهای سیاستی سیاست های کلی کشور در زمینه انرژی (یافته های نویسندگان)

ردیف	اهداف	ابزار
الف) سیاست های نفت و گاز		
۱	گسترش اکتشاف نفت و گاز و شناخت کامل منابع کشور	اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب
۲	افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت متناسب با ذخایر موجود	
۳	تأمین مصرف داخلی و حداکثر جایگزینی با فرآورده های نفتی	افزایش ظرفیت تولید گاز، متناسب با حجم ذخایر کشور
۴	ایجاد مرکز جذب و صدور دانش و خدمات فنی - مهندسی انرژی در سطح بین الملل	گسترش تحقیقات بنیادی و توسعه ای و تربیت نیروی انسانی
۵	جذب منابع مالی مورد نیاز (داخلی و خارجی) در امر نفت و گاز در بخش های مجاز قانونی.	
۶	خرید و فروش و فرآوری و پالایش و معاوضه و انتقال نفت و گاز منطقه به بازارهای داخلی و جهانی.	
۷	بهینه سازی مصرف و کاهش شدت انرژی.	
۸	جایگزینی صادرات فرآورده های نفت و گاز و پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی.	
ب) سیاست های کلی سایر منابع انرژی		
۱	ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور و استفاده از آن با رعایت مسائل زیست محیطی	افزایش سهم انرژی های تجدیدپذیر با اولویت انرژی های آبی
۲	تأمین سهمی از انرژی کشور از انرژی هسته ای و تربیت نیروهای متخصص.	تلاش برای کسب فن آوری و دانش هسته ای و ایجاد نیروگاه های هسته ای
۳	ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور	گسترش فعالیت های پژوهشی و تحقیقاتی در امور انرژی های گداخت هسته ای
		تلاش برای کسب فن آوری و دانش فنی انرژی های نو و ایجاد نیروگاه ها

جدول ۸. اهداف و ابزارهای سیاستی بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم (یافته‌های نویسندگان)

ردیف	اهداف	ابزار
۱	توسعه نیروگاه‌های حرارتی با بهره‌وری بالا و زیرساخت شبکه برق	افزایش قدرت عملی نیروگاه‌های حرارتی تسریع در اجرای ۴ هزار مگاوات طرح‌های متوقف، معطل یا با پیشرفت کند و ارتقای توان نیروگاهی تسریع در اجرای ۲۲۰۰ کیلومتر خط و ۵ هزار مگاوات آمپر پست انتقال و فوق توزیع طرح‌های متوقف، معطل یا با پیشرفت کند احداث حداقل ۱۵ هزار کیلومتر خط و ۲۵ هزار مگاوات آمپر پست انتقال و فوق توزیع برق تکمیل ۵ هزار مگاوات سیکل بخار نیروگاه‌های موجود، احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه حرارتی با بهره‌وری بالا و برنامه‌ریزی برای احداث حداقل هزار مگاوات نیروگاه زغال‌سوز
۲	نگهداشت و افزایش ظرفیت تولید گاز و نفت	تسریع در تکمیل فازهای باقیمانده میدان گازی پارس جنوبی و اجرای پروژه‌های فشارافزایی
۳	اصلاح نظام تأمین مالی افزایش تولید و بهره‌وری انرژی	تشکیل صندوق تولید و بهره‌وری انرژی راه‌اندازی بازار گواهی صرفه‌جویی تنوع‌بخشی به روش‌های تأمین مالی
۴	اصلاح نظام تعرفه‌گذاری و پایش مصرف در کل زنجیره تولید تا مصرف انرژی	اجرای طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل توسعه خودکارسازی، هوشمندسازی و پایش برخط شبکه انتقال و توزیع و مشترکان نهایی
۵	افزایش بهره‌وری زنجیره انرژی مبتنی بر فناوری و بازنگری مقررات و استانداردهای فنی	بازنگری استاندارد تجهیزات انرژی‌بر
۶	تنوع بخشی به سبد انرژی کشور	احداث حداقل ۵ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر جدید (به جز برق آبی) تسریع در روند تکمیل فازهای دو و سه نیروگاه اتمی بوشهر تسریع در روند تکمیل نیروگاه‌های برق آبی
۷	پایداری منابع تأمین گاز و برق	حفظ و توسعه بازارهای گازی موجود و فعال‌سازی دیپلماسی منطقه‌ای با کشورهای ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، روسیه و قطر افزایش ظرفیت مخازن طبیعی ذخیره‌سازی گاز طبیعی و طرح‌های ذخیره‌سازی برق بازنگری طرح‌های جدید انرژی‌رسانی (گاز/برق)
۸	توسعه برنامه‌های مدیریت سمت تقاضا	اعمال نظام قیمت‌گذاری پیک بحرانی توسعه روش‌های کنترل مستقیم مصرف برق و گاز با استفاده از فناوری اینترنت اشیا
۹	اعمال مدیریت یکپارچه حوزه انرژی	ارتقای اثربخشی شورای عالی انرژی با اصلاح ساختار، اعضا و جایگاه دبیرخانه و اعطای اختیارات کافی اصلاح ساختار حکمرانی انرژی کشور

ردیف	اهداف	اِزار
۱۰	اصلاح ساختارهای صف و ستاد	ارتقای اثربخشی هیئت عالی نظارت بر منابع زیرزمینی نفت و گاز ایجاد نظام تنظیم‌گری مستقل دولتی در حوزه صنعت بالادست نفت و گاز ایجاد نظام‌های تنظیم‌گری مستقل دولتی، به تفکیک در دو حوزه صنایع پایین‌دست نفت و گاز و صنعت برق اصلاح روابط مالی دولت با شرکت‌های تابعه نفت و نیرو براساس عملکرد اصلاح روابط مالی دولت با شرکت‌های پالایشی، پتروشیمیایی و نیروگاهی اعمال حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی نفت، گاز و برق با اصلاح اساسنامه
۱۱	توسعه عمودی زنجیره خوراک گاز و مایع پتروشیمی	توسعه متوازن و هدفمند زنجیره ارزش و تولید محصولات راهبردی توسعه زیرساخت‌های صنعت پتروپالایشگاهی و توسعه پارک‌ها و خوشه‌های محصولات پژاکاربرد و راهبردی صنعت پتروشیمی
۱۲	توسعه افقی زنجیره خوراک مایع پتروپالایشگاهی	ایجاد ظرفیت پتروپالایشی جدید
۱۳	بومی‌سازی فناوری‌های موردنیاز و رفع گلوگاه‌ها	تعیین اولویت‌های فناوریانه صنعت انرژی آینده‌نگاری فناوری ایجاد زیست بوم نوآوری و فناوری انرژی

انسجام سیاستی درونی سیاست‌های کلی انرژی، اصلاح الگوی مصرف و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم قابل قبول است ولی انسجام درونی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی متوسط می‌باشد. به‌عنوان مثال در بند شماره ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز بیان شده است در صورتی که در بند شماره ۱۳، مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز از طریق انتخاب مشتریان راهبردی عنوان شده است. از نظر خبرگان اهداف سیاستی این دو بند دارای تعارض بوده و از سطح انسجام بسیار پایینی برخوردار است. زیرا یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرایی برای تحقق مشتریان راهبردی، انعقاد قراردادهای بلندمدت صادرات است که با اهداف تکمیل زنجیره ارزش در تعارض می‌باشد.

انسجام سیاست‌ها و مقررات حوزه انرژی کشور در پیوست مقاله ارائه شده است. ضمناً اعداد موجود در جداول حاصل عدد رند شده میانگین حسابی نمرات متخصصین می‌باشد. در جدول شماره ۹ نتایج حاصل از پاسخ‌های پرسشنامه‌ها آورده شده و در ادامه تحلیل نتایج، ارائه شده است.

بحث در خصوص یافته‌ها

الف) ارزیابی انسجام درونی سیاست‌های کلان حوزه انرژی و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم: نتیجه حاصل از نظرات خبرگان در خصوص میزان انسجام درونی سیاست‌های کلان و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم به شرح جدول‌های شماره ۱۰ تا ۱۳ پیوست می‌باشد. با مقایسه امتیازهای به دست آمده از میزان انسجام درونی سیاست‌های کلی و مقررات حوزه انرژی کشور می‌توان گفت

جدول ۹. نتیجه تحلیل انسجام سیاستی (یافته‌های نویسندگان)

ردیف	نوع انسجام	عنوان سیاست و مقررات	امتیاز میزان انسجام	تفسیر امتیاز میزان انسجام
۱	انسجام درونی	سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	۴,۴۷	انسجام بسیار قوی
۲		سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی	۳,۹۲	انسجام قوی
۳		سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	۳,۱۳	انسجام متوسط
۴		بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم	۳,۴	انسجام متوسط
۵	انسجام افقی	میان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی	۲,۷۷	انسجام متوسط
۶		میان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	۳,۱۴	انسجام متوسط
۷		میان سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی	۲,۲۸	انسجام ضعیف
۸	انسجام عمودی	بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم و سه سیاست کلان حوزه انرژی	۳,۱۴	انسجام متوسط

از وابستگی به سوخت‌های فسیلی کاسته شود و از سوی دیگر، به افزایش تولید نفت و گاز برای افزایش درآمدهای ملی و تامین نیازهای داخلی تاکید دارد.

ب) ارزیابی انسجام افقی سیاست‌های کلان منتخب حوزه انرژی کشور: در ماتریس‌های مربوط به ارزیابی انسجام افقی سیاست‌های کلان حوزه انرژی کشور، اهداف سیاست‌های کلان به صورت دو به دو با یکدیگر ارزیابی شده‌اند. ماتریس‌های نهایی ارزیابی انسجام افقی سیاست‌های کلان حوزه انرژی که مشتمل بر میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه می‌باشد، در پیوست ارائه شده است. میزان انسجام افقی میان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف ۳,۱۴ و میزان انسجام افقی میان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی کشور در زمینه

براین اساس مجری سیاست در دولت چه در راستای صادرات حداکثری نفت خام و انعقاد قراردادهای بلندمدت صادراتی حرکت کند و چه در جهت هدایت منابع نفتی به توسعه زنجیره ارزش در داخل و خارج از کشور بپردازد، می‌تواند ادعا کند در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در حال حرکت است. یکی از اهدافی که در سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی به آن اشاره شده است، کاهش خام‌فروشی می‌باشد و بر توسعه صنایع پایین‌دستی تأکید شده است (بند شماره ۸)، اما همزمان به دلیل نیاز به درآمد فوری از صادرات نفت و گاز خام، سیاست‌های اجرایی به سمت خام‌فروشی متمایل می‌شوند. همچنین در بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم از یک سو، بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید شده است تا

همچنین سیاست‌های کلی انرژی بر لزوم افزایش تولید و صادرات نفت و گاز تأکید دارند که این خود موجب افزایش درآمد و افزایش وابستگی بودجه کشور به منابع درآمدی نفتی خواهد شد. در حالیکه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تأکید ویژه بر کاهش وابستگی به صادرات نفت و گاز و افزایش تمرکز بر مصرف داخلی منابع در جهت توسعه زنجیره ارزش و توسعه‌ی صنایع داخلی دارد.

ج) ارزیابی انسجام عمودی میان سیاست‌های کلان حوزه انرژی کشور و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم: در ماتریس مربوط به انسجام عمودی، میزان انسجام سیاستی میان ۳ سیاست کلان منتخب حوزه انرژی کشور و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم ارزیابی شده است. ماتریس نهایی ارزیابی انسجام عمودی سیاست‌های کلان حوزه انرژی و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم که مشتمل بر میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه می‌باشد، در پیوست ارائه شده است. میزان انسجام عمودی میان سه سیاست کلان منتخب حوزه انرژی و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم ۳،۱۴ برآورد شده است و به این معناست که انسجام و هماهنگی متوسطی میان سه سیاست کلان منتخب و بخش انرژی سند تحول دولت سیزدهم برقرار است. از مصادیق انسجام سیاستی پایین در این بخش، توجه ویژه سند تحول دولت بر تنوع‌سازی منابع انرژی و لزوم افزایش سهم انرژی‌های غیرفسیلی در سبد انرژی کشور است؛ در حالی که اولویت سیاست‌های کلی انرژی و اقتصاد مقاومتی بر توسعه منابع نفتی و گازی می‌باشد، که پیامد آن افزایش سهم انرژی فسیلی در سبد انرژی کشور خواهد شد.

انرژی که ۲،۷۷ ارزیابی شده است که نشان‌دهنده وجود انسجام متوسط میان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با دو سیاست دیگر می‌باشد. همچنین کمترین انسجام افقی میان سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی با امتیاز ۲،۲۸ برآورد شده است و حاکی از وجود انسجام ضعیف میان سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های کلی کشور در زمینه انرژی است.

این مهم می‌تواند به علت تمرکز بر موارد متفاوت در سیاست‌های مختلف و عدم نگاه جامع باشد. برای نمونه، سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف بر کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری انرژی متمرکز است. از طرف دیگر سیاست‌های کلی انرژی افزایش تولید انرژی، به ویژه از منابع فسیلی، به‌منظور تأمین نیازهای داخلی و افزایش صادرات را دنبال می‌کند و به بهره‌وری فقط در یک بند پرداخته است. علت دیگر ناشی از تعارض در اهداف و ابزارهای سیاستی می‌باشد. مثلاً در سیاست‌های کلی انرژی تمرکز بر افزایش تولید و اشتغال و همچنین تکمیل زنجیره ارزش می‌باشد که پیامد این موضوع افزایش قابل توجه مصرف انرژی برای واحدهای تولیدی است؛ در حالیکه سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف متمرکز بر کاهش مصرف انرژی در صنعت، کشاورزی و تجاری می‌باشد. همچنین یکی از راهبردهای افزایش میزان تولید در کشور تأمین انرژی با قیمت‌های بسیار پایین‌تر از نرخ جهانی برای بخش صنعت بوده که این خود در تضاد با تحقق اهداف سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف قرار می‌گیرد و عاملی برای افزایش بی‌رویه مصرف انرژی با بهره‌وری بسیار پایین در واحدهای تولیدی و افزایش شاخص شدت انرژی در کشور شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

انسجام سیاستی به همخوانی میان محتوای سیاست‌ها اشاره دارد به گونه‌ای که سازگاری و هم‌افزایی و کاهش تضادها و تناقض‌ها بین سیاست‌ها، اهداف و اجرای آن‌ها وجود داشته باشد. هدف از این پژوهش، تحلیل انسجام سیاستی در سه سطح درونی شامل تحلیل همراستایی و یکپارچگی اجزای یک سیاست، انسجام افقی شامل تحلیل هماهنگی اجزای دو سیاست و سطح عمودی شامل تحلیل میزان یکپارچگی اهداف مقررات دولت با اهداف سیاست‌های کلان انجام شده است. بدین منظور ابتدا از طریق تحلیل محتوا، اهداف سیاست‌ها و مقررات استخراج و سپس براساس تحلیل نظرات خبرگان، میزان انسجام سیاستی این اسناد در سطوح مختلف تعیین گردید.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد علیرغم اینکه وضعیت انسجام و یکپارچگی در تک تک سیاست‌ها و مقررات انرژی کشور وضعیت نسبتاً قابل قبولی دارد، یکپارچگی بین سیاست‌های کلی و همچنین انسجام بین مقررات دولت با سیاست‌های کلی وضعیت مناسبی ندارد. که به تعدادی از مصادیق آن در بخش قبل پرداخته شد.

یکی از علل انسجام پایین ناهمزمانی سیاست‌های کلی، قوانین و مقررات و متفاوت بودن شرایط در زمان تدوین هر یک از سیاست‌ها و مقررات بوده است. به‌عنوان مثال سیاست‌های کلی انرژی کشور بیش از ۲۳ سال پیش و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اصلاح الگوی مصرف به ترتیب ۱۰ و ۱۳ سال پیش ابلاغ شده و عمدتاً براساس مقتضیات و یافته‌های تحلیل در زمان خود تدوین و در بسیاری از موارد منبع بالادستی مناسبی برای تدوین قوانین و

مقررات نمی‌باشد. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد مجمع تشخیص مصلحت نظام برنامه منظمی در جهت به‌روزرسانی سیاست‌های کلی کشور به ویژه در زمینه انرژی اجرا نماید.

از دیگر علل مهم پایین بودن انسجام سیاستی درونی در سطح یک بسته سیاستی و افقی در سطح دو سیاست کلی در زمینه انرژی و همچنین انسجام عمودی بین مقررات و قوانین با سیاست‌های کلی حوزه انرژی، مشخص نبودن رویکرد کلان کشور به حوزه انرژی می‌باشد. منظور از رویکرد کلان پاسخ به این سوال مهم است که از منظر سیاستی، کشور ایران انرژی را برای چه می‌خواهد؟ آیا انرژی را برای افزایش سطح رفاه جامعه و مردم می‌خواهیم؟ آیا انرژی را به‌عنوان عاملی در جهت افزایش قدرت بین‌المللی کشور از طریق وابسته کردن دیگر کشورها به انرژی تولیدی کشور می‌خواهیم؟ آیا انرژی را برای توسعه صنعتی و اقتصادی می‌خواهیم؟ و ... مسئله حیاتی تعیین رویکرد اولویتدار کشور به حوزه انرژی است. زیرا انتخاب هریک از این رویکردها، سیاست‌های متفاوتی را به دنبال خواهد داشت و سیاستگذار را برای انتخاب بین گزینه‌های مختلف رهنمون خواهد کرد. توجه به سیاست‌های کلان دیگر کشورهای دارای منابع انرژی، مشخص میکند هر کشور یکی از رویکردهای کلان را مبنا قرار داده و سیاست‌ها و اقدامات اجرایی خود را بر مبنای آن طراحی کرده است.

پیامد اصلی عدم انتخاب رویکرد کلان به حوزه انرژی، تدوین سیاست‌ها و اقدامات اجرایی بر مبنای همه رویکردها و در نهایت عدم انسجام فی‌مابین سیاست‌ها و نیز برنامه‌های اجرایی با سیاست‌های کلان خواهد شد. تقریباً همه مصادیق نام برده شده از انسجام سیاستی پایین در بخش قبل، ناشی از

در یک بسته سیاستی منسجم؛ سایر سیاست‌های کلی مرتبط با حوزه انرژی در بسته‌های سیاستی دیگر مانند اقتصادمقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و ... میبایست در سیاست‌های کلی انرژی ادغام یا با آن هماهنگ گردد تا چالش عدم انسجام بین سیاست‌های کلی مختلف در حوزه انرژی برطرف گردد.

بازنگری قوانین حوزه انرژی براساس رویکرد کلان مصوب توسط مجلس شورای اسلامی؛ قوانین موجود در حوزه انرژی باید با هدف ارتقاء انسجام سیاستی با سیاست‌های کلی انرژی بازنگری شود تا درجه انسجام سیاستی بین قوانین و سیاست‌های کلی ارتقاء یابد.

بازنگری مقررات حوزه انرژی کشور توسط شورای عالی انرژی و هیئت وزیران براساس رویکرد کلان مصوب؛ مصوبات هیئت دولت، وزیران و شورایی عالی انرژی با توجه به نزدیکی به مرحله اجرا میبایست با هدف ارتقاء انسجام سیاستی با سیاست‌های کلی انرژی و قوانین بازنگری شود تا درجه انسجام سیاستی بین این مقررات با قوانین و سیاست‌های کلی ارتقاء یابد.

محدودیت اصلی برای پژوهش حاضر در انتخاب جامع اسناد سیاستی و قوانین و مقررات حوزه انرژی و تحلیل انسجام سیاستی آنها بود. براین اساس پیشنهاد می‌گردد برای پژوهش‌های آتی تحلیل انسجام سیاستی سایر قوانین و مقررات حوزه انرژی به صورت کلی یا با تمرکز در یک حوزه خاص مانند حوزه تولید یا حوزه مصرف صورت گرفته و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد.

سیاست‌هایی است که براساس رویکردهای کلان به حوزه انرژی نوشته شده است. به‌عنوان مثال سیاست قیمت‌گذاری پایین انرژی در کشور در جهت رویکرد افزایش رفاه جامعه از طریق انرژی می باشد. یا سیاست‌های مشوق افزایش تولید و صادرات منابع فسیلی در جهت رویکرد افزایش قدرت بین‌المللی کشور از طریق انرژی است. همچنین سیاست‌های مشوق توسعه زنجیره ارزش و توسعه فناوری براساس رویکرد توسعه صنعتی و افزایش اشتغال از طریق انرژی می باشد. حال آنکه به‌طور طبیعی اهداف و ابزارهای سیاستی ناشی از هر یک از این رویکردها در تعارض یا حتی تضاد با اهداف و ابزارهای سیاستی رویکرد دیگر قرار خواهد گرفت.

براین اساس پیشنهادهای سیاستی ذیل برای ارتقاء انسجام سیاستی سیاست‌های کلی، قوانین و مقررات حوزه انرژی کشور ارائه می‌گردد:

تعیین رویکرد کلان کشور به حوزه انرژی و تصویب آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ تعیین یک رویکرد کلان و بلندمدت برای بخش انرژی از بین گزینه‌های مختلف در پاسخ به این سؤال که ما انرژی را برای چه می‌خواهیم؟. این مهم جهت‌گیری کلی سیاست‌های این حوزه را مشخص می‌کند و به مثابه نخ تسبیح، انسجام سیاست‌ها و برنامه‌های کشور در حوزه انرژی را ارتقاء خواهد داد.

بازنگری سیاست‌های کلی کشور مرتبط با حوزه انرژی براساس رویکرد کلان مصوب؛ به‌منظور اعمال رویکرد کلان به سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه انرژی، قدم اول بازنگری سیاست‌های کلی مصوب سال ۱۳۷۹ براساس این رویکرد کلان است تا این سیاست‌ها مبنای ایجاد انسجام سیاستی در سایر سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های این حوزه شود.

تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی کشور در حوزه انرژی

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی ندارد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

منابع فارسی

موثر بر اجرای خط مشی های آن حوزه». نشریه راهبرد اقتصادی ۲۵ (۷): ۷۱-۱۰۷.

مقدس پور، سعید، حسن دانایی فرد و اسدالله کردناتیج. ۱۳۹۲. «واکاوی عوامل کلیدی در عدم موفقیت برخی خط مشی های عمومی در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه خط مشی های مالیاتی کشور». مدیریت فرهنگ سازمانی ۱۱ (۱): ۳۳-۶۸.

میری، سیدمجید، محمدرضا اکبری، امیرحسین سوهانکار، محمد فندرسکی و محمد عظیمزاده. ۱۴۰۱. «تأمین مالی پروژه‌های توسعه ظرفیت نیروگاهی از طریق سرمایه‌های مردمی». فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی ۳۰-۵۶.

تقوی فرد، محمدمتقی، زهرا وفادار، مهدی رحیمی و مجتبی آقایی. ۱۳۹۵. «تحلیلی بر چرخه انسجام سیاستی در نظام حکمرانی فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران». فصلنامه مطالعات مدیریت فناوری اطلاعات ۴ (۱۶): ۱-۳۳.

حیرانی، حسین، ناصر باقری مقدم و علیرضا مسیبی. ۱۴۰۱. «بررسی و تحلیل چالش‌های توسعه فناوریانه توان داخلی در صنعت نفت و گاز». فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی ۲-۲۳.

خاکی، غلامرضا. ۱۳۷۹. روش تحقیق در مدیریت. تهران: دانشگاه آزاد، مرکز، انتشارات علمی.

دانایی فرد، حسن. ۱۳۹۰. «تبیین اجرای جهاد اقتصادی با محوریت یکپارچگی سیاست های ملی، طراحی مدل مفهومی و چالش های فرارو». اندیشه مدیریت راهبردی ۲ (۱۰): ۵-۲۴.

ضرغامی، سیدصادق و محمد ذاکری. ۱۳۹۶. «مطالعه تطبیقی راهبردهای کلان انرژی در ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی ۲۰۱-۲۲۴.

عباسی، طیبه و هانیه احمدی. ۱۳۹۶. «توسعه مدلی برای اندازه‌گیری انسجام خط‌مشی‌های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری در ایران». فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی ۳ (۲): ۱۱۷-۱۳۳.

فرتاش، کيارش، محمدمصدق خیاطیان یزدی و امیر قربانی. ۱۳۹۹. «آسیب شناسی نقش کنشگران در ساختار حکمرانی انرژی خورشیدی در ایران». فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی ۶ (۲): ۱۵۵-۱۷۷.

قاسم شربینانی، میترا و محمد رضا رضوی. ۲۰۱۵. «انسجام سیاستی و سیاست فناوری». [لینک]

قلی پور، رحمت اله، حسن دانایی فرد، علینقی امیری و محمدرضا عطاردی. ۱۳۹۴. «مفهوم پردازی پدیده شکاف خط مشی در فرآیند خط مشی گذاری فرهنگی». ۸۱ (۲۲): ۹۱-۱۲۵.

کاظمی نژاد، س، م الوانی و م جمشیدی. ۱۳۹۷. «راهبردهای اجرایی در صنعت نفت کشور بر اساس اولویت بندی عوامل

References

- Abbasi, Tayyebeh, and Hanieh Ahmadi. 2017. "Developing a Model to Measure the Coherence of Science, Research, and Technology Policies in Iran." *Journal of Public Policy* 3 (2): 117-133.
- Carbone, M. 2008. "Mission impossible: The European Union and policy coherence for development." *Journal of European Integration* 30 (3): 323-342.
- Challis, L., S. Fuller, M. Henwood, R. Klein, W. Plowden, A. Webb, P. Whittingham, and G. Wistow. 1988. *Joint approaches to social policy: rationality and practice*. Cambridge University Press.
- Danaeifard, Hassan. 2011. "Explanation of the Implementation of Economic Jihad with a Focus on the Integration of National Policies, Design of a Conceptual Model, and the Challenges Ahead." *Strategic Management Thought* 2 (10): 5-24.
- Del Río, P. 2014. "On evaluating success in complex policy mixes: The case of renewable energy support schemes." *Policy Sciences* 47 (3): 267-287.
- Duraiappah, Anantha Kumar, and Asmita Bhardwaj. 2007. "Measuring Policy Coherence among the MEAs and MDGs." *International Institute Sustainable Development*.
- Fartash, Kiarash, Mohammad Sadeq Khayatyan Yazdi, and Amir Ghorbani. 2019. "A Pathology of the Role of Actors in the Solar Energy Governance Structure in Iran." *Journal of Public Policy* 6 (2): 155-177.
- Ghasem Sharbiani, Mitra, and Mohammad Reza Razavi. 2015. "Policy Coherence and Technology Policy." *International Conference of on Management, Economics and Humanities*. İstanbul-Turkey.
- Gholipour, Rahmatullah, Hassan Danaeifard, Alinaghi Amiri, and Mohammad Reza Atardi. 2015. "Conceptualizing the Policy Gap Phenomenon in the Cultural Policy-Making Process." 81 (22): 91-125.
- Hawkes, C., and K. Parsons. 2019. "Tackling Food Systems Challenges: The Role of Food Policy." In *Rethinking Food Policy: A Fresh Approach to Policy and Practice*. London: Centre for Food Policy.
- Hertog L, den, and S. Stross. 7-8 April 2011. "Policy coherence in the EU system: concepts and legal rooting of an ambiguous term." *The EU as a Global Player*. University Institute for European Studies, Madrid.
- Heyrani, Hossein, Naser Bagheri Moghadam, and Alireza Mosaibi. 2017. "A Study and Analysis of the Challenges of Technological Development of Domestic Capacity in the Oil and Gas Industry." *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy Making* 2-23.
- Hyden, G. 1999. "The shifting grounds of policy coherence in development." In *policy coherence in development Co-operation*, 58-77. London.
- Kautto, N. 2011. "Towards More Coherent and Sustainable Biomass Policy/Examining European biomass-to-energy planning." *Doctoral Dissertation*. Lund University, LUND, Sweden.
- Kazemi Nejad, S., M. Alvani, and M. Jamshidi. 2018. "Executive Strategies in the Oil Industry of the Country Based on Prioritizing Factors Affecting the Implementation of Policies in That Area." *Economic Strategy Journal* 25 (7): 71-107.
- Khaki, Gholamreza. 2000. *Research Methodology in Management*. Tehran: Azad University, Center, Scientific

- Publications.
- Kivimaa, Paula, Mikael Hildén, Timothy R. Carter, Claire Mosoni, Samuli Pitzén, and Marja Helena Sivonen. 2024. "Evaluating policy coherence and integration for adaptation: the case of EU policies and Arctic cross-border climate change impacts." *Climate Policy*.
- Laffin, M. 2013. "A New Politics of Governance or an old Politics of Central-local Relations? Labour's Reform of Social Housing Tenancies in England." *Public Administration* 91 (1): 195-210.
- May, P. J., A. E. Jochim, and J. Sapotichne. 2011. "Constructing homeland security: An anemic policy regime." *Policy Studies Journal* 39: 285-307.
- McConnell, A. 2010. "Policy Success, Policy Failure and Grey Areas In-Between." *Public Policy* 30 (3): 345-362.
- Mickwitz, P. 2003. "A framework for evaluating environmental policy instruments: Context and key concepts." *Evaluation* 9 (4): 415-436.
- Miri, Seyed Majid, Mohammad Reza Akbari, Amir Hossein Sohankar, Mohammad Fanderski, and Mohammad Azimzadeh. 1401. "Financing Power Plant Capacity Expansion Projects Through Public Capital." *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy* 30-56.
- Moghaddaspour, Saeed, Hassan Danaeifard, and Asadollah Kardanaej. 2013. "Analysis of Key Factors in the Failure of Some Public Policies in the Islamic Republic of Iran: A Study of the Country's Tax Policies." *Organizational Culture Management* 11 (1): 33-68.
- n.d. *Rethinking Food Policy: A Fresh Approach to Policy and Practice. Brief 5: Policy coherence in food systems.* CITY. University of London: Academic excellence for business and the professions.
- Nilsson, M., and L. J. Nilsson. 2005. "Climate policy towards climate policy integration in the EU: Evolving dilemmas and opportunities towards climate policy integration in the EU: Evolving dilemmas and opportunities." *Climate Policy* 5: 363-376.
- Nilsson, Måns, Tony Zamparutti, Jan Erik Petersen, Björn Nykvißt, Peter Rudberg, and Jennifer McGuinn. 2012. "Understanding Policy Coherence: Analytical Framework and Examples of Sector-Environment Policy Interactions in the EU." *Environmental Policy and Governance*.
- OECD. 2016. "Chapter 2. A new framework for policy coherence for sustainable development." In *Better Policies for Sustainable Development 2016, A New Framework for Policy Coherence.* Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD).
- Parsons, K. 2019. "Integrated Food Policy. What is it and how can it help transform food systems?" In *Rethinking Food Policy: A Fresh Approach to Policy and Practice.* London: Centre for Food Policy.
- Ruthrauff, John. 2017. *Advancing the Business and Human Rights Agenda through the G7/G20.* InterAction.
- Schreier, M. 2014. *Qualitative Content Analysis, in Flick, U. (Ed.). The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis.* London: SAGE Pub.
- Shawoo, Z., A. Maltais, A. Dzebo, and J. Pickering. 2023. "Political drivers of policy coherence for sustainable development: An analytical." *Environmental Policy and Governance* 33 (4): 339-350.
- Taghavifard, Mohammad Taghi, Zahra

- Vafadar, Mehdi Rahimi, and Mojtaba Aghaei. 2016. "An Analysis of the Policy Coherence Cycle in the Governance System of Information and Communication Technology in Iran." *Quarterly Journal of Information Technology Management Studies* 4 (16): 1-33.
- Urwin, K., and A. Jordan. 2008. "Does public policy support or undermine climate change adaptation? Exploring policy interplay across different scales of governance." *Global Environmental Change* 18 (1): 180-191.
- Vedung, E. 1997. "Public policy and program evaluation."
- Zarghami, Seyed Sadeq, and Mohammad Zakeri. 2017. "A Comparative Study of Energy Macro-Strategies in Iran." *Journal of Strategic Studies in Public Policy* 201-224.